



مطالعه پیکرک‌های انسانی شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه در عصر مفرغ از منظر ریخت‌شناسی*

سمیرا نصر اصفهانی^۱، علیرضا طاهری^{۲**}

^۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران.
^۲استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۶/۵)

چکیده

دوره‌ی مفرغ یکی از مهم‌ترین ادوار باستانی در ایران است. در این عصر رابطه‌ی بازرگانی و تجاری گسترده‌ای بین شمال شرق ایران باستان و آسیای میانه بوجود آمده بود. در جریان این تعاملات ارتباطات قابل‌توجه فرهنگی و هنری بین این دو منطقه دیده می‌شود. پیکرک‌های انسانی در قبور مناطقی در شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه یافت شده‌اند که به‌صورت تجریدی و انتزاعی از جنس گل و سنگ با قطر کم ساخته شده و از ظرافت و دقت زیادی برخوردارند که می‌تواند بازگوی ارتباط و برهم‌کنش‌های این دو منطقه در عصر مفرغ باشد. هدف از پژوهش حاضر، یافتن پاسخ این پرسش است که: پیکرک‌های انسانی شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه از لحاظ ریخت و کاربرد چه رابطه‌ای با هم داشته‌اند؟ در دوره مفرغ بیشترین پیکرک‌های پیداشده را زنان تشکیل می‌دهند. این آثار از لحاظ ساختار و فرم بدن به شیوه انتزاعی و با لطافت، دقت و ظرافت قابل ملاحظه‌ای در اندازه‌های کوچک از جنس سنگ و گل رنگی ساخته شده‌اند و بر اندام‌های مادینگی تأکید داشته‌اند. این پیکرک‌ها علاوه بر کاربرد مذهبی و آیینی، به مفهوم باروری و زایش اشاره دارند. پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و به روش تطبیقی-توصیفی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی

آسیای میانه، پیکرک انسانی، ریخت‌شناسی، شمال شرقی ایران، عصر مفرغ.

*مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر نگارنده اول با عنوان «مطالعه تطبیقی پیکرک‌های انسانی ایران باستان و آسیای میانه در عصر مفرغ بر مبنای ریخت‌شناسی» به راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

**نویسنده مسئول، تلفن: ۰۰۹۱۲۴۴۸۳۵۷۵ Email: artaheri@arts.usb.ac.ir



مقدمه

عصر مفرغ یکی از مهم‌ترین ادوار باستانی ایران است. این دوره شامل محدوده‌ی زمانی ۱۲۵۰-۳۱۰۰ قبل از میلاد می‌شود. «در این دوره بشر موفق به استفاده از مفرغ (که خود آلیاژی از مس و قلع می‌باشد) می‌گردد که یکی از تحولات عظیم را در جوامع انسانی به وجود آورده و در واقع موجب دگرگونی، به‌ویژه در زمینه معیشت بشر هزاره سوم ق.م می‌شود» (مرتضوی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در عصر مفرغ «فرایندهای فرهنگی و فناوری، اجتماعی و اقتصادی سرعت و گسترش بیشتری نسبت به دوره مس‌سنگی یافته بود» (طلایی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). در فلات ایران همواره پیشرفت‌های رو به رشد به لحاظ فناوری در حال تحول بوده است. «آغاز هزاره سوم برای اغلب مناطق ایران نشان از روند تغییرات گسترده فرهنگی- اجتماعی دارد که اغلب آن را از نشانه‌های شروع دوره‌ی مفرغ اولیه به حساب می‌آورند. از اهم این تغییرات برمبنای شواهد و مدارک باستان‌شناسی می‌توان به تغییرات فناورانه و بافت جمعیتی، ارتباطات تجاری فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری نخستین جوامع مبتنی بر حکومت اشاره نمود» (مترجم و نیکنامی، ۱۳۹۰: ۳۶). اختراع مفرغ موجب تکمیل روش ایجاد و تحصیل اشیاء فلزی گردید و تقاضای مواد خام روزافزون شد. این سرچشمه ثروت، ایران را یکی از مهم‌ترین تهیه‌کنندگان مس، قلع، سرب، چوب و سنگ در جمع ملل محسوب کرد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۴). از هزاره سوم تا سده‌های اول هزاره دوم ق.م رابطه بازرگانی بین نواحی افغانستان، ترکمنستان، ایران و بین‌النهرین وجود داشته است؛ بنابراین تمدن و فرهنگ این منطقه از جهان در بسیاری موارد در ارتباط نزدیک و مستقیم با یکدیگر بوده‌اند (صادق، ۱۳۷۶: ۲۳۸). در پایان هزاره سوم ق.م آلتین تپه در آسیای میانه و تپه حصار و تورنگ تپه به دلایل سیاسی و خشک‌شدن و کاهش منابع آبی ناگهان متروکه شده و از بین رفتند (چوبک، ۱۳۹۲: ۲۳). در این مناطق از قبور برجای مانده، پیکرک‌های انسانی با اندازه‌های کوچک یافت شده که قابل‌مقایسه با یکدیگر هستند. این پژوهش، در جستجوی پاسخ این سؤال است که: پیکرک‌های انسانی شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه از نظر ریخت‌شناسی و کاربردی چه ارتباطی با یکدیگر داشته‌اند؟ به نظر می‌رسد که پیکرک‌های انسانی یافت شده در این مناطق به‌صورت تجریدی و خلاصه شده بوده و از موادی همچون گل سرخ و گل خاکستری و سنگ ساخته شده‌اند و براندام‌های زنانه این پیکرک‌ها تأکید شده است. این پیکرک‌ها کاربرد مذهبی و آیینی و مفهوم باروری و زایش دارند. در روند این تحقیق ابتدا مختصری در مورد موقعیت شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه توضیح داده می‌شود و سپس تپه‌های حصار و تورنگ تپه در شمال‌شرقی ایران باستان و محوطه‌های آلتین تپه و نمازگاه و گنور در آسیای میانه که در محدوده‌های

مشخص شده در عصر مفرغ یافته شده‌اند؛ معرفی می‌گردند و سپس به بررسی و مقایسه پیکرک‌های انسانی پیدا شده در این محوطه‌ها از منظر ریخت‌شناسی پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت تمدن دیرینه و غنی در ایران باستان پژوهش‌های قابل‌ملاحظه‌ای در این زمینه انجام شده است؛ که می‌توان به کتاب «عصر مفرغ ایران» نوشته حسن طلایی (انتشارات سمت، ۱۳۸۸) که در زمینه محوطه‌های مهم دوره برنز در ایران باستان و سفال‌ها و چند پیکرک یافت شده در این عصر می‌باشد؛ اشاره کرد. از انریکو اسکالونه کتابی تحت عنوان «باستان‌شناسی جوامع ایران باستان (هزاره سوم پیش از میلاد)» با ترجمه سید منصور سید سجادی (انتشارات سمت، ۱۳۹۴) وجود دارد. از اورلی دیمز کتاب «تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام» با ترجمه علی‌اکبر وحدتی (انتشارات ماهی، ۱۳۸۸) چاپ شده است. در مورد آسیای مرکزی کتب فارسی محدود هستند؛ صادق ملک شهمیرزادی ترجمه کتب «تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی» (انتشارات مؤسسه چاپ و وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵) از سازمان یونسکو و کتاب «باستان‌شناسی در آسیای مرکزی» (انتشارات مؤسسه چاپ و وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲) از گرگوار فرامکین را انجام داده است. سید منصور سید سجادی کتابی تحت عنوان «باستان‌شناسی آسیای مرکزی» (انتشارات سمت، ۱۳۹۵) در دو جلد نوشته است که در آن به پیکرک‌های این منطقه نیز پرداخته است. روح‌الله شیرازی پایان‌نامه دکتری خود را با موضوع «مطالعه تطبیقی و گونه‌شناختی پیکرک‌های انسانی در آسیای مرکزی و شرق ایران از دوران مس و سنگ تا عصر برنز» در سال (۱۳۸۷) در فرانسه نوشته است و متأسفانه ترجمه فارسی ندارد. لازم به ذکر است در مواردی که اشاره شد، بیشترین تأکید نویسندگان بر روی حفاریات باستانی مناطق عصر مفرغ از منظر تاریخی و باستان‌شناختی بوده است و فقط به تعدادی از پیکرک‌های یافت شده اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد تا کنون به مقایسه پیکرک‌های انسانی در شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه در عصر مفرغ پرداخته نشده است. بنابر این انجام چنین بررسی می‌تواند به روشن شدن برخی از موارد در ارتباط آیین‌ها و باورهای دینی و اجتماعی و همچنین فرهنگی و هنری بین سرزمین‌های فوق‌الذکر کمک نماید.

روش تحقیق

در این پژوهش به بررسی شباهت‌های پیکرک‌های انسانی مکشوفه در شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه در عصر مفرغ از لحاظ ریخت‌شناسی پرداخته می‌شود. بر این اساس روند پژوهش

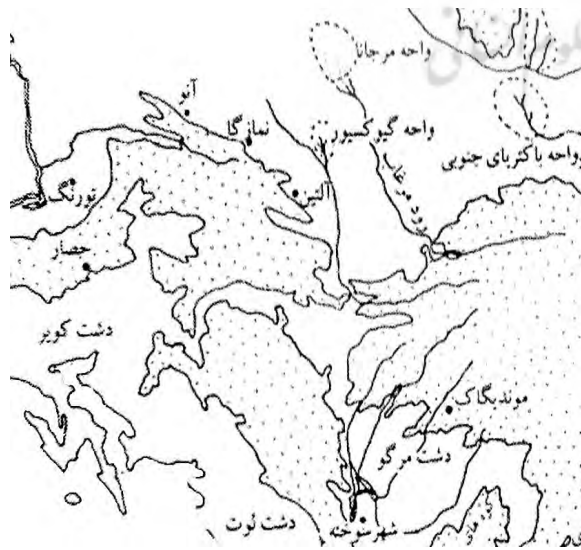


معمول بود و در ترکمنستان نیز مراکز استحصال مس خالص به وجود آمده بود که می‌توان از آن‌ها نام برد. این فن‌آوری نیز به سرعت در شمال شرقی ایران، آسیای غربی، بین‌النهرین، موندیگک و هاراپا گسترش یافت (لباف خانیکی، ۱۳۹۱: ۷۸). تقریباً در هزاره دوم ق.م در شمال شرقی ایران تپه حصار و تورنگ تپه خالی از سکنه شدند و همین رویداد در دو مرکز منطقه‌ای نماز گاه و آلتین تپه واقع در دشت‌های مجاور در دامنه ارتفاعات کوپت داغ به وقوع پیوست (تصویر ۱) (یونسکو، ۱۳۷۵: ۱۴۵).

تپه حصار

محوه تپه حصار در حاشیه جنوب شرقی شهر دامغان و در نزدیکی روستای فیروزآباد و حیدرآباد واقع شده است. چشم‌انداز کنونی تپه حصار شامل محوطه باستانی قلعه خشتی و کاخ ساسانی است (امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۸). این محوطه مهم باستانی و شاخص عصر مفرغ از چند تپه و پشته کوچک و بزرگ تشکیل شده است. قطر تقریبی آن حدود ۶۰۰ متر است. در عین حال تپه اصلی فقط مساحتی با ابعاد ۳۰۰×۲۰۰ متر را در برمی‌گیرد. تپه حصار به دور از فلات مرکزی بود و روابط نزدیک فرهنگی به سمت شرق و شمال رودخانه اترک که ترکمنستان امروز می‌باشد؛ داشته است (Pittman, 2017: 69).

تپه حصار نخست توسط اریخ اشمیت در دهه ۱۹۳۰ کاوش شد و سپس در دهه ۱۹۷۰ رابرت دایسون و همکارانش کاوش‌های دوباره‌ای در آنجا انجام دادند (آگنج، ۱۳۸۸: ۷۱). لایه‌های فرهنگی تپه حصار دامغان دربرگیرنده سه دوره فرهنگی است که از پایین به بالا به صورت I، II و III تقسیم شده است. دوره حصار IIA به لحاظ گاه‌نگاری اوایل هزاره سوم ق.م. (مفرغ قدیم) را در برمی‌گیرد (طلایی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). این فرهنگ که گستره آن شامل



تصویر ۱. موقعیت و محوطه‌های شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه در عصر مفرغ. منبع: (سیدسجادی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۶۳).

به صورت تطبیقی توصیفی و با استفاده از منابع و داده‌های کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

مختصری از موقعیت تمدن‌های شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه

درباره شمال شرقی ایران، در منطقه‌ای که فرهنگ‌های غنی حصار، تورنگ تپه در دوره تحولات پیشرفته عصر برنز شکوفا بودند، مدارک متنی در دست نیست که نشان بدهند پس از اینکه این مراکز عظیم در آغاز هزاره دوم ق.م خالی از سکنه شدند، چه وضعی پیدا کردند؛ اما با وجود این اسنادی موجود است که نشان می‌دهند سنت‌های بومی کاملاً ناپدید نشده‌اند. در غرب کوپت داغ در دره سومبراز دو گورستان خاک‌برداری شده که متعلق به دوره جدید برنز بوده‌اند (احتمالاً متعلق به نیمه دوم هزاره دوم ق.م) و براساس آثار قرار داده‌شده در گورها می‌توان چنین اظهار کرد که فرهنگ صاحبان گورها ریشه در فرهنگ تپه حصار، شاه‌تپه داشته است (یونسکو، ۱۳۷۵: ۱۶۱). شمال شرقی ایران از جمله مناطقی است که شباهت‌های بسیار بین برخی فرهنگ‌های آن و ترکمنستان وجود دارد. براساس یافته‌های باستان‌شناسی ارتباطات فرهنگی بین این دو منطقه از هزاره ششم ق.م. تا دوره‌های تاریخی وجود داشته است. در عین حال ارتباطات و مشابهت‌های فرهنگی بین شمال شرقی و شرق ایران با جنوب ترکمنستان بیشتر و گسترده‌تر بوده است. به نظر می‌رسد سرچشمه و خاستگاه اصلی فرهنگ‌های رایج پیش از تاریخ در ترکمنستان، در فلات ایران بوده که احتمالاً از طریق حرکت‌های جمعیتی و مهاجرت و جابه‌جایی اقوام به آن منطقه نفوذ کرده است. در عصر مفرغ ارتباط فرهنگی بین شمال شرقی و ترکمنستان افزایش بی‌سابقه‌ای را نشان می‌دهد که این امر شاید ناشی از جابه‌جایی و حرکت‌های جمعیتی در کل منطقه آسیای غربی بوده است (طلایی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عصر مفرغ ایران افزایش تجارت بین منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به صورت نظام‌های مبادلاتی در این دوران است (نوروزی، ۱۳۹۲: ۹) به علت نیاز به مبادلات و محل‌هایی جهت عبور برخی از راه‌های عمومی برای انتقال انسان و فراورده‌های به وجود آمده یکی از معروف‌ترین این راه‌ها جاده‌ی بزرگ یا خراسان بزرگ است. این راه مهم‌ترین راه ارتباطی از بین‌النهرین به کوه‌های زاگرس و از آنجا به فلات مرکزی ایران و آسیای مرکزی است (همان: ۳). آسیای میانه از شرق چین تا کرانه‌های شرقی دریای خزر و از شمال تا نواحی اطراف دریایچه آرال و جنوب به پاکستان و افغانستان و دره سند و نواحی شرقی ایران را در برمی‌گیرد (نوراللهی، ۱۳۹۴: ۲۶۷). از اواسط هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق.م تولید فلز در سرتاسر آسیای میانه

نمازگاه تپه با مساحت بیش از ۷۰ هکتار واقع در نزدیکی ایستگاه آبیاری کاخک در جنوب شرقی عشق آباد است (بلنیتسکی، ۱۳۶۴: ۶۶). کاوش این محل از حدود سال ۱۹۲۰ م. توسط یک مهندس آبیاری به نام «د. پوکینیچ» انجام گرفت و اهمیت آن به خوبی بازشناخته شد (ورجاوند، ۱۳۵۷: ۲۱۶). بالاترین طبقه آثار به دست آمده از دوران مفرغ مربوط به مرحله تحول در سطح‌های بالایی نمازگاه تپه (نمازگاه IV و V) می‌باشد که باستان‌شناسان زمان آن را بین ۲۴۰۰ و ۱۷۰۰ ق.م دانسته‌اند (ورجاوند، ۱۳۵۷: ۲۲۳).

پیکرک‌های انسانی تپه حصار

پیکرک‌های مؤنث تپه حصار دامغان بسیار قابل توجه هستند. این پیکرک‌ها در یک بستر تدفینی کشف شده و به صورت انتزاعی کار شده و فاقد نشانه‌های صورت‌اند (امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۰) (تصویر ۳). همچنین تعدادی پیکرک ساده و تجریدی به دست آمده که از لحاظ سادگی، زیبایی و ظرافت حائز اهمیت هستند. تاریخ ساخت این پیکرک‌ها حدود ۱۷۰۰-۲۰۰۰ ق.م است با وجود تجریدی بودنشان، اشاره خاصی به برآمدگی‌های زنانه دارند که تأکیدی بر مفهوم باروری و زایش این الهگان مادر است. یکی از پیکرک‌ها دارای سر میخ مانند و پیکرک دیگر دارای سری شبیه به دوزنقه است و در رأس و طرفین آن سوراخ‌هایی دیده می‌شود. دو سوراخ راست و چپ در سر احتمالاً نمایش گوش‌ها با تزیینات حلقه‌ای است (تصویر ۳) (زابلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۹). پیکرک‌های سنگی زنانه در نهایت تناسب و زیبایی ساخته می‌شدند. یکی از این پیکرک‌ها، پیکرک زنانه‌ی کاملاً ساده‌شده‌ای است که در سال ۱۹۳۲ م. به دست آمده است. این اثر تقریباً سالم است. یک قسمت برجسته‌ی دکمه مانند که در وسط با یک شکاف به دو قسمت تقسیم شده و تجسمی از سینه‌های زن است، بر روی این شیء وجود دارد. از تجسم دست‌ها و پاها صرف نظر شده و بدنه از دو مخروط ناقص ساخته شده است (تصویر ۴) (کرمی، ۱۳۹۱: ۴۷). برای نشان دادن کمر، پیکرک از میانه باریک شده و در قسمت پایینی قطر آن افزایش یافته است. علاوه بر این در تپه حصار پیکرک‌هایی

شمال شرقی و شرق ایران می‌باشد با سفال‌های خاکستری ظریف و براق مشخص شده است. مهم‌ترین استقرار این فرهنگ در تپه حصار، طبقه III که در شرق فلات مرکزی قرار دارد، دیده می‌شود. استقرارهای عصر برنز تپه حصار طبقه III احتمال دارد بر اثر حمله اقوام کوچنده از طرف شرق ایران «آسیای مرکزی» به پایان رسیده باشد (طلائی، ۱۳۷۴: ۱۷).

تورنگ تپه

تورنگ تپه در حدود ۲۰ کیلومتری شمال شرقی گرگان و تقریباً در ۶۰ کیلومتری گوشه جنوب شرقی دریای خزر شامل مجموعه‌ای از چند تپه یا برجستگی نزدیک به یکدیگر است (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۹۰: ۸۳). به نظر می‌رسد تورنگ تپه با توجه به مدارک موجود درباره ارتباطات با مهم‌ترین مراکز استقراری در اطراف کپت داغ-همچون نمازگاه آنو و آلتین تپه- در طی مراحل پیشرفت فرهنگی ترکمنستان سهیم بوده است. این محوطه باستانی مانند تپه حصار، داخل یک محیط و فضای جغرافیایی-فرهنگی شده است که محدوده غربی آن را البته با تأثیرپذیری از عوامل بومی و منطقه‌ای، تمدن نمازگاه تشکیل می‌داد که گسترش آن، به صورت وسیعی، در تحرکات فرهنگی استانی سرزمین‌های دورتری مانند سیستان ایران و افغانستان نیز تأثیر گذاشته است (اسکالونه، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

محوطه آلتین تپه

محوطه آلتین تپه جزء یگانه محوطه‌هایی است که تمام بازه تاریخی دوره مفرغ را در بردارد. این محوطه در جنوب شهر تجن و کنار رود تجن واقع است و ارتفاع آن به ۲۲ متر و وسعت آن بیش از ۴۶ هکتار می‌رسد (نوراللهی، ۱۳۹۴: ۲۷۶). حفاریات آلتین تپه در مقیاس وسیعی در سال ۱۹۶۵ آغاز شده است (ملکی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). این محوطه از ۱۵ لایه تشکیل شده که لایه‌های ۴-۸ به دوران مفرغ و لایه‌های ۱-۳ به دوران مفرغ میانی تعلق دارد نتایج حفاری نشان می‌دهد که لایه‌های نوع نمازگاه IV (دوران مفرغ قدیم) تمامی سطح آلتین تپه را پوشانده است (ولایتی، ۱۳۹۰: ۳۱).

تپه نمازگاه



تصویر ۴. سمت چپ، پیکرک سنگی مثالی، اواخر هزاره دوم ق.م، موزه ایران باستان. منبع: (آرشیو نگارنده)



تصویر ۳. وسط، پیکرک سنگی، با تأکید بر سینه‌های زنانه، تپه حصار. منبع: (Pittman, 2017: 69)



تصویر ۲. سمت راست، پیکره ساده زنانه، گل سرخ، ۲۴۰۰ ق.م. منبع: (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۱۲).



برای چسباندن کلاه گیس، کشیده و بلند ساخته شده است. گروه دوم که با گل خاکستری ساخته شده، در بافت تدفینی کشف شده است. دست‌های این پیکرک‌ها از دو سو به بیرون دراز شده و کمر آن‌ها بسیار باریک است این پیکرک‌ها با دستبند یا گردنبندهایی تزیین شده‌اند (دیمز، ۱۳۸۸: ۳۸ - ۳۷). از این پیکرک به‌عنوان الهه زیبایی و حاصلخیزی یاد می‌شود. در این پیکرک ویژگی‌های متمایز مادینگی کاملاً آشکار و برجسته نشان داده شده و نسبت‌های طبیعی در آن رعایت شده است. وی با بازوان گشاده و حالتی مغرور، در برابر تماشاگر ایستاده و روی سرش زیوری زنانه، به‌صورت نیم تاج قرار گرفته و گردن‌بندی طوق مانند در گردن دارد که او را همچون ملکه‌ای مجسم می‌سازد (تصویر ۷) (جام تیر و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۰). پیکرک‌های انتزاعی دیگری نیز به دست آمده که اندام یک زن را القا می‌کنند. پایین این گونه از پیکرک‌ها به شکل یک دایره است و در بالای آن، دست‌ها به دو طرف باز و یک برجستگی کوچکی به نشانه سر وجود دارد. در قسمت بالایی این گونه از پیکرک‌ها سوراخی قرار دارد که به‌احتمال کاربری

یافت شده‌اند که نمود بارداری (برآمدگی شکم) کاملاً در آنها مشخص است این پیکرک‌ها فاقد سر بوده و دست‌ها را در اطراف باز کرده‌اند (تصویر ۵) (امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۱).

پیکرک‌های انسانی تورنگ تپه

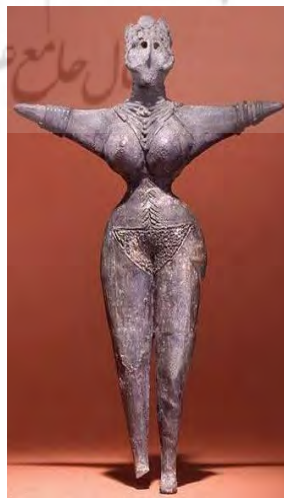
در ساخت پیکرک‌های تورنگ تپه گرایش به سمت واقع‌گرایی بیشتر وجود دارد. هرچند اغلب این پیکرک‌ها هنوز بی‌تناسب‌اند، ولی طرح‌ها و اندام‌های انسانی بیشتر در آن‌ها قابل مشاهده است. دو نوع پیکرک دیگر هم پیدا شده که هر دو تقریباً به یک اندازه ساخته شده و متعلق به حدود اواسط هزاره سوم پ.م دانسته شده‌اند. ناف این پیکرک‌ها با سوراخ کوچک و مثلث شرمگاهی آن‌ها با ردیف نقطه‌های کوچک نشان داده شده است. گروه اول این پیکرک‌های سفالین قهوه‌ای - قرمز، با دستان خود پستان‌هایشان را می‌فشارند؛ دهان آن‌ها نمایش داده نشده و حدقه‌ی خالی چشمان با ماده‌ی سفیدرنگی پر شده است (تصویر ۶) گوش آن‌ها برای آویختن گوشواره‌هایی بزرگ سوراخ شده و بخش فوقانی پیشانی احتمالاً



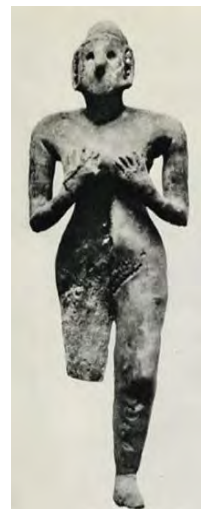
تصویر ۵. پیکرک‌های زنانه یافت شده از تپه حصار که از نشانه‌های بارداری برخوردارند. منبع: (امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۶)



تصویر ۸. پیکرک‌های زنانه، عصر مفرغ. منبع: (امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۶)



تصویر ۶. سمت راست. پیکرک-الهه، سفال سرخ رنگ، هزاره سوم ق.م، تورنگ تپه. منبع: (URL: 1)



تصویر ۷. سمت چپ. پیکره الهه حاصلخیزی، سفال خاکستری، عصر مفرغ، تورنگ تپه. منبع: (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۱۲)



آویز را می‌توان برای آنان پیشنهاد کرد (تصویر ۸) (امیرکلایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۰).

پیکرک‌های انسانی آلتین تپه

در آلتین تپه سه منطقه مسکونی که به سه طبقه اجتماعی کارگران، صنعتگران و طبقات حاکم و نخبگان تعلق داشته شناسایی شده است. در این محوطه مردگان به صورت انفرادی و جمعی دفن شده‌اند. اشیاء داخل قبور نشان‌دهنده طبقه اجتماعی افراد است. بسیاری از واحدهای ساختمانی نیايشگاه‌های اختصاصی داشته‌اند. از سوی دیگر پیکرک‌های گلی پیداشده از محوطه، همگونی و همانندی‌های زیادی را آشکار می‌سازد. بسیاری از این پیکرک‌ها تزئینات کنده با علائم نمادین دارند (طلایی، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۶). کاوش‌های آلتین تپه در ۱۵ کارگاه اصلی و تعدادی کارگاه‌ها و ترانشه‌های کوچک و بزرگ انجام گرفته (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۱۶) که پیکرک‌هایی در آن یافت شده است. پیکرک‌هایی ظریف و زیبا که بر روی شانه‌های آن‌ها نمادهای گیاهی نقر شده است (تصاویر ۹ و ۱۰) (همان: ۴۵۶).

در عصر برنز در آلتین تپه پیکرک‌های زنانه قرمز رنگ در هر خانه‌ای نگهداری می‌شدند و در گورها به صورت دسته‌جمعی قرار داده می‌شدند. الهه-پیکرک‌ها بوسیله نمادهایی که بر روی ران و شانه‌هایشان حک می‌شده و همچنین مدل مو و لباس‌های متفاوت‌شان، شناسایی می‌شده‌اند (Masson, 1992: 231) (تصاویر ۱۱ و ۱۳). بیشترین و زیباترین پیکرک‌های خدایان زنانه، به همراه تعداد قابل توجهی از مهره‌های مفرغی و نقره‌ای با نقوش جانوران خیالی و برخی تزئینات نقره‌ای پیدا شده‌اند (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۹۷).

در پیکرکی که از آلتین تپه کشف شده و در موزه هرمیتاژ نگهداری می‌شود «توجه زیادی به ساخت سر و گردن با تاج و لباس شده است، به‌ویژه در ساخت چشم‌ها اغراق زیادی صورت گرفته است (Masson, 1992: 231)». این پیکرک زنانه دارای کمر بند بوده و در برخی موارد نوار کمر بند چند بار به دور کمرش پیچیده شده است؛ ظاهراً کمر بندها بخشی از لباس زنان را تشکیل می‌داده‌اند (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۶۴) (تصویر ۱۴).

پیکرک‌های انسانی گنور

ظاهراً قبایل منسوب به تمدن بلخی/مرویی^۲ که در اواخر دوران مفرغ به منطقه مهاجرت کرده بودند در سرزمین‌ها اصلی‌شان با پیکرک‌سازی (انسانی) آشنایی کافی نداشتند. این مهاجران پس از سکونت در دلتای رودخانه مرغاب از قبایل محلی منطقه ساخت و استفاده مجسمه را اقتباس و سپس از آن‌ها در قبور نیز استفاده کرده‌اند. به نظر برخی پژوهندگان، این قبایل در مراحل

اولیه سکونتشان تنها به پیکرک‌های خدایان باروری توجه داشته‌اند و تنها در مرحله بعد بوده که به پیکرک‌های مردان نیز توجه شده است. در گورستان گنور ۴۸ پیکرک انسانی پیدا شده که به جز ۷ پیکرک که جنسیت آن‌ها قابل تشخیص نبوده و یک پیکرک مذکر، بقیه متعلق به زنان بوده است. بیشترین پیکرک‌های گلی زنان از ۶ قبر زنانه و سه پیکرک از قبرهای کودکان و چهار پیکرک از قبرهایی که جنسیت آن‌ها مشخص نبوده پیدا شده‌اند. تنها پیکرک مردانه از تدفین ش. ۲۴۲۷ پیداشده که جنسیت فرد مدفون مشخص نشده است (تصویر ۱۵)، بدنه این پیکرک صاف و بدون برجستگی است. پیکرک‌های بدون جنسیت مشخص از دو قبر زنانه و یک قبر دوفره (یک زن و یک مرد) و دو قبر بدون تشخیص جنسیت پیدا شده‌اند. برخی از این پیکرک‌های زنانه تزئینات نیز دارند. مثلاً پیکرک پیدا شده از قبر ش. ۸۰۶ دارای دو گوشواره مفرغی شبیه به پیکرک‌های تپه حصار و پیکرک‌های فلسطینی-سوریه‌ای می‌باشد (تصاویر ۱۶ تا ۱۸) (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۹۰-۵۹۱).

پیکرک‌های انسانی نمازگاه

از لایه‌هایی که به تازگی و به‌طور دقیق‌تری در نمازگاه مطالعه شده‌اند، تعداد زیادی پیکرک‌های سفالی به‌دست آمده‌اند و «تاریخ آن احتمالاً به نیمی دوم هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد» (تصاویر ۱۹ و ۲۰) (فرامکین، ۱۳۷۲: ۲۱۵). این پیکرک‌ها نیز دارای مشخصات زنانگی برجسته شده هستند.

نتیجه‌گیری

در عصر مفرغ ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه گسترده شده بود و بر همین اساس، برهم‌کنش قابل توجهی در فرهنگ و هنر مردم این مناطق دیده می‌شود. این برهم‌کنش و شباهت‌ها در پیکرک‌های انسانی که در بستر تدفینی یافت شده‌اند بسیار قابل‌ملاحظه هستند. با مقایسه پیکرک‌های پیدا شده در محوطه‌های تپه حصار و تورنگ تپه در شمال شرقی ایران باستان و محوطه‌های باستانی آلتین تپه، نمازگاه و گنور در آسیای میانه از لحاظ ساختار و فرم و ظاهر پیکرک‌ها این‌گونه دیده می‌شود که شباهت‌ها و تأثیرات چشمگیری بر روی هم داشته‌اند. اولین موردی که بسیار حائز اهمیت می‌باشد. مادبندی پیکرک‌ها هست؛ که در هر دو محدوده شمال شرقی ایران باستان و آسیای میانه بیشترین آثار یافت شده مادینه هستند که این نشان بر مذهب و تفکر مشترک دارد و به جایگاه والای زن در عصر مفرغ در این دو محدوده باستانی تأکید دارد. برای قابل تشخیص بودن پیکرک‌های مادینه بر برجستگی‌های زنانه و آرایش و تزئینات در پیکرک‌ها اشاره شده است. از لحاظ ریخت و ظاهر ساخت در عناصر ساختاری شباهت دارند. این پیکرک‌ها به شیوه خلاصه شده و



تصویر ۱۱. دو پیکرک زنانه، آلتین تپه، گل پخته.
منبع: (Shirazi, 2008: 59)



تصویر ۹. سمت راست، پیکره الهه نباتات، گل پخته، آلتین تپه، عصر مفرغ.
منبع: (Shirazi, 2008: 143)



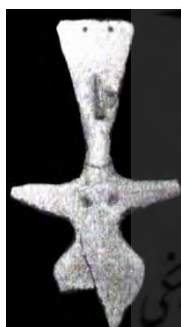
تصویر ۱۰. سمت چپ، پیکره الهه نباتات، گل پخته، آلتین تپه، عصر مفرغ.
منبع: (سید سجادی، ج ۲، ۱۳۹۵: ۴۵۶)



تصویر ۱۳. پیکره‌های زنانه، گل پخته، آلتین تپه، عصر مفرغ.
منبع: (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۸۶۲)



تصویر ۱۲. پیکرک‌های زنانه، آلتین تپه، گل پخته.
منبع: (URL: 1)



تصویر ۱۵. سمت راست، پیکرک مردانه، گل.
منبع: (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۹۰)

تصویر ۱۶. وسط، پیکره زن با گوشواره، گل، گنور دپه.
منبع: (Lamberg-Karlovsky, 2013: 53)

تصویر ۱۷. سمت چپ، پیکرک زن، گل، گنور دپه.
منبع: (Shirazi, 2008: 291)

تصویر ۱۴. پیکره زن با مژه مثلثی، گل پخته، ۲۰۰۰ - ۲۳۰۰ ق.م، آلتین تپه،
موزه هرمنیاژ. منبع: (Gorshunova & Peshkova, 2013)



تصویر ۱۹. سمت راست. پیکرک زنانه، سفال، عصر مفرغ.
منبع: (فرامکین، ۱۳۷۲: ۲۱۶)

تصویر ۲۰. سمت چپ. دو پیکرک زنانه، گل پخته، عصر مفرغ.
منبع: (Shirazi, 2008: 332)



تصویر ۱۸. دو پیکره گلی زنانه و یک پیکره گلی بدون جنسیت.
منبع: (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۸۶۴)

جدول ۱. پیکرک‌های انسانی شمال شرق ایران باستان و آسیای میانه از نظر ریخت‌شناسی. منبع: (نگارندگان)

ردیف	منطقه	پیکرک	ویژگی های اندام وار زنانه
۱	تپه حصار		- فاقد جزئیات طبیعی بدن - فرم های تجریدی مثلثی - دستان باز شده به طرفین - تاکید بر برجستگی سینه ها عدم ارزشگذاری بر سایر اندام ها
۲	تورنگ تپه		- فرم های گرد و کروی متورم با مفهوم بارداری و باروری - دستان باز شده به طرفین - تحول از فرم های کاملا تجریدی به سمت پیکرنگاری واقعگرایانه
۳	آلتین تپه		- استفاده از فرم های هندسی مثلثی-هرمی و ترکیب آن با دایره-کروی در ساخت اندام بدن - دستان باز شده به طرفین - گردن و سرهای کشیده با نشان های چهره: بینی، چشم و دهان - تاکید بر برجستگی های سینه در بالا، و گردی بارداری در پایین و تاکید بر مفهوم باروری
۴	گنور		- استفاده از فرم های هندسی مثلثی-هرمی و ترکیب آن با فرم دوکی شکل - دستان باز شده به طرفین - اغراق در گردن و سرهای کشیده، دارای بینی و چشم ها - تاکید بر برجستگی های سینه در بالا، و گردی بارداری در پایین و تاکید بر مفهوم باروری
۵	نمازگاه		- استفاده از فرم های هندسی مثلثی و ترکیب آن با فرم کروی - دستان باز شده به طرفین - تاکید بر برجستگی های سینه در بالا، و گردی بارداری در پایین و تاکید بر مفهوم باروری



سفالینه‌های پیکره‌ای در ایران پیش‌ازتاریخ. نگره. تابستان. (۱۵)، صص ۲۹-۳۷.

چوبک، حمیده (۱۳۹۲)، جیرفت: همسایگان و خویشاوندان فرهنگی نگاهی به دستاوردهای باستان‌شناسی جنوب شرق ایران. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

دیمز، اورلی (۱۳۸۸)، *تندیسگری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام*. مترجم علی‌اکبر وحدتی، چاپ اول. تهران: ماهی.

زابلی‌نژاد، هدی (۱۳۸۸)، *پیکرک‌های الهه مادر: سیمای زن در آثار پیش‌ازتاریخ ایران. ماه هنر. مردادماه (۱۳۱)*. صص ۳۴-۴۱.

سید سجادی، سید منصور (۱۳۹۵)، *باستان‌شناسی آسیای مرکزی*. جلد اول. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

سید سجادی، سید منصور (۱۳۹۵). *باستان‌شناسی آسیای مرکزی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

سید سجادی، سید منصور (۱۳۹۶)، *فرهنگ مصور باستان‌شناسی دوران پیش از تاریخ انگلیسی - فارسی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: آرمان‌شهر.

صادق، مینا (۱۳۷۶)، *بررسی روابط فرهنگی و اقتصادی فلات ایران، جنوب ترکمنستان، افغانستان و بین‌النهرین در روزگار باستان. یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی - شوش (نخستین: ۱۳۷۳)*. جلد اول. چاپ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص ۲۳۳-۲۴۸.

طاهری، صدرالدین (۱۳۹۳)، *ایزد بانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان*. چاپ اول. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

طلایی، حسن (۱۳۷۴)، *باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد*. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

طلایی، حسن (۱۳۸۸)، *عصر مفرغ ایران*. چاپ سوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

طلایی، حسن (۱۳۹۰)، *هشت هزار سال سفال ایران*. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

فرامکین، گرگوار (۱۳۷۲)، *باستان‌شناسی در آسیای مرکزی*. مترجم صادق ملک شه‌میرزادی، چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و وزارت امور خارجه.

گیرشمن، رومن (۱۳۷۲)، *از آغاز تا اسلام*. مترجم محمد معین، چاپ نهم. تهران: علمی و فرهنگی.

لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۹۱)، *مبادلات فرهنگی آنو و جوامع دیگر در دوران پیش‌ازتاریخ. پآژ. پاییز (۱۱)*. صص ۷۱-۸۰.

مترجم، عباس و نیکنمی، کمال‌الدین (۱۳۹۰)، *عصر مفرغ قدیم در شرق زاگرس مرکزی - ایران. مطالعات باستان‌شناسی*. دوره ۳. پاییز و زمستان. (۲)، صص ۳۵-۵۴.

مرتضوی، مهدی (۱۳۸۹)، *مطالعه‌ی تطبیقی جوامع شهرنشین جنوب شرق ایران و دره هند (عصر مفرغ)*. *مطالعات شبه‌قاره هند*. دانشگاه سیستان و بلوچستان. بهار. سال دوم. (۲)، صص ۱۱۱-۱۳۹.

ملک شه‌میرزادی، صادق (۱۳۹۰)، *اطلس باستان‌شناسی ایران (از آغاز تا پایان دوره یکجانشینی و استقرار در روستاها)*. چاپ دوم. تهران: سازمان

تجربیدی با ظرافت، سادگی و نرمی و لطافت و اشاره بر اندام زنانگی در اندازه کوچک و قابل حمل ساخته شده‌اند. اندام این پیکرک‌ها بیشتر به صورت فرم‌های هندسی، بدون وجود تمام اعضای بدن و با دستان باز شده به طرفین، با قطر کم و حجم سه‌بعدی کم‌تری نسبت به مجسمه‌های معمول شکل گرفته‌اند. سازندگان برای تولید این پیکرک‌ها از گل‌های رنگی خاکستری و قرمز و سنگ بهره برده‌اند. به دلیل اینکه بیشتر این پیکرک‌ها در قبور پیدا شده‌اند می‌توان به کاربرد مذهبی و آیینی آن‌ها توجه داشت لذا در این پیکرک‌ها بر مفهوم باروری و زایش و سعادت‌مندی تأکید شده است. لازم به ذکر است در پیکرک‌ها آسیای میانه با وجود ساده‌سازی در فرم اندام، توجه بیشتری به تزئینات، زیورآلات، آرایش مو و ظاهر و لباس نسبت به پیکرک‌های شمال شرقی ایران باستان وجود دارد. هرچند در تورنگ تپه با وجود این موارد، گرایش به واقع‌گرایی هم در مواردی دیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

- در واقع مسیر اصلی جاده ابریشم در ایران به‌طور دقیق منطبق بر جاده‌ی بزرگ یا جاده‌ی خراسان است (نوروزی، ۱۳۹۲: ۳).
- طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ و ویکتور ساریانیدی، باستان‌شناس معروف روسی، با همکاری باستان‌شناسان ترکمن در منطقه‌ی دلتای رود مرغاب موفق به کشف یک‌رشته محوطه باستانی با فرهنگی متفاوت از آن‌چه تاکنون شناخته شده بود گردید. در ابتدا این مجموعه را ساریانیدی «نمازگاه IV، باکتیریا و مرجانا» خواند و سپس خود ساریانیدی از آن به صورت «مجموعه باستانی بلخی- مروی» نام برد. این نام ابتدا در ادبیات باستانی شوروی سابق رایج شد و سپس به اختصار *BMAC* نامیده شد و از آنجا که تقریباً تمام این محوطه در حوضه‌ی بزرگ‌تر رودخانه‌ی جیحون واقع شده‌اند، از آن‌ها با نام تمدن‌های جیحونی نیز نام‌برده شده است (سید سجادی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۷-۳۱۸).

منابع فارسی

آگنج، محمود (۱۳۸۸)، *مقایسه هنر دوران نوسنگی و عصر مفرغ در ایران و چین*. چاپ اول. تهران: نیما.

اسکالونه، انریکو (۱۳۹۴)، *باستان‌شناسی جوامع ایران باستان (در هزاره سوم پیش از میلاد)*. مترجم سیدمنصور سید سجادی، چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

امیرکلایی، ابراهیم و صفری، مجتبی و حیدری، نرجس و مسعودی، آرمان (۱۳۹۱)، *تفسیری بر ظرف پیکره‌های انسانی شمال و شمال شرقی فلات ایران در عصر مفرغ متأخر. پیام باستان‌شناسی*. بهار و تابستان. (۱۷)، صص ۷۵-۸۶.

بلنیتسکی، آ (۱۳۶۴)، *خراسان و ماوراالنهر (آسیای میانه)*. مترجم پرویز ورجاوند، چاپ اول تهران: گفتار.

جام تیر، امین و شیرازی، علی‌اصغر و اکبری، عباس (۱۳۸۹)، *ویژگی‌های*



Lamberg- Karlovsky, C.C.(2013). *The Oxus Civilization La Civilizacion del Oxus*. CuPAUAM. 39. pp. 21-63.

Masson, V.M. (1992). *The Bronze age in Khorasan and Transoxania*. A.H. Dani, V.M. Masson(Editors). *History of civilizations of Central Asia (Volume1)*. Number 10. UNESCO Publishing. Paris. pp. 217-236.

Pittman, Holly. (2017). *Bronzezeitliche kulturen in Ostiran*. Iran Fruhe kulturen zwischen Wasser und Wuste, Kunst- und Ausstellungshalle der Bundesrepublik Deutschland GmbH. Bonn.und National Museum of Iran. Teheran. Hirmer Verlag GmbH, Munchen. pp.68-89.

Shirazi, Rouhollah.(2008). *Etudes typologiques et comparatives des representations humaines en terre crue, enterre cuite et en pierre de l'Asie central et de l' Iran oriental du Chalcolithique a lage du Bronze(4000- 1800 av.j.c)*. Volume II: Annexes. *These de doctorat d'Archeologie des periodes historiques* preparee en vue d'obtenir le grade de Docteur de l Univesite de paris 1.

URL1: www.pinterest.com

مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).

ملکی، قاسم(۱۳۸۱)، ترکمنستان؛ سرزمینی با میراث فرهنگی کهن (کاوش در جنوب ترکمنستان). *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، تابستان (۳۸)، صص ۱۹۳-۲۰۴.

نوراللهی، علی(۱۳۹۴)، آسیای میانه غربی در بستر زمانی عصر مفرغ. *تاریخ پژوهی*. سال ۱۷. تابستان. (۶۳). صص ۲۶۷-۲۹۴.

نوروزی، آصف(۱۳۹۲)، بازبینی قدمت مسیر اصلی جاده ابریشم در ایران براساس شواهد باستان‌شناختی. *همایش ملی باستان‌شناسی ایران(دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها)*. دانشکده هنر دانشگاه بیرجند. اردیبهشت.

ورجواند، پرویز(۱۳۵۷)، تمدن‌های پیش از تاریخ آسیای میانه (ماوراءالنهر). *بررسی‌های تاریخی*. سال ۱۳. مرداد و شهریورماه. (۳). صص ۱۹۷-۲۳۴.

ولایتی، رحیم(۱۳۹۰)، *مطالعه پیشینه باستان‌شناسی کشورهای آسیای میانه*. چاپ اول. تهران: پازینه.

یونسکو(۱۳۷۵)، *تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی*. مترجم صادق ملک شهمیرزادی، بخش دوم از جلد اول. چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و وزارت امور خارجه.

منابع لاتین

Gorshunova, O.V, Peshkova, S.A.(2013). *Fertility and the sacred feminine in the central Asia healing and ritual practices*. www.medanthro.ru.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



A Study of Human Statuettes from Northeast of Ancient Iran and Central Asia in the Bronze Age from the view of Morphology*

Samira Nasr Esfahani¹, Alireza Taheri^{**2}

¹Graduate Master in Art Research, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Sistan and Baluchestan, Iran.

²Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Sistan and Baluchestan, Iran.

(Received: 20 May 2020, Accepted: 26 Aug 2020)

In the Iranian plateau, technological advances have always been evolving. The beginning of the third millennium for most parts of Iran shows the process of extensive socio-cultural changes, which are often considered as signs of the beginning of the early Bronze Age. The most important of these changes, based on archaeological evidence, are technological and demographic changes, trans-regional trade relations, and the formation of the first government-based societies. The invention of the bronze complemented the method of creating and studying metal objects, and the demand for raw materials increased. This source of wealth made Iran one of the most important producers of copper, tin, lead, wood and stone among the nations. From the third millennium to the first centuries of the second millennium BC, there was a trade relationship between Afghanistan, Turkmenistan, Iran, and Mesopotamia. Thus, the civilization and culture of this region of the world have in many cases been in close and direct contact with each other. Discovering alloy, humankind recitative tools had evolved in life, religion, business and art. In the Bronze Age, northeast of ancient Iran and Central Asia had great similarity in culture and art. In these two region, human Statuettes had been built from the stone and copper with little dimension in abstract method and had remarkable nicety and delicacy which can be indicated the relevance and interactions of northeast of ancient Iran and middle Asia in the Bronze Age. The purpose of this project is finding the answer of this question that: how was the similarity rate of human Statuettes from northeast of ancient Iran and middle Asia from the view point of form and usage? In the Bronze Age, the

gender of many founded Statuettes had been built of women. These women Statuettes had been built with delicacy, subtlety and nicety from the view point of construct and body form in abstract method and condensate. They also had enforced on female organs with little tridimensional content in small size. These statuettes had religious usage which referred to the fertility and birth and had found in the burial bed. In the Bronze Age, communication and social interactions between northeastern ancient Iran and Central Asia were widespread, and accordingly, significant interactions can be seen in the culture and art of the people of these regions. These interactions and similarities are very noticeable in the human bodies found in the burial bed. Most of these statuettes are female. The statuettes of Hesar and Tourang in northeastern ancient Iran are similar in structure and form to Altin, Namazgah and Gnoor that made in a concise and abstract style with elegance, softness and emphasis on femininity and with open arms to the sides. It should be noted that in Central Asian sculptures, despite simplification in body shape, there is more reference to decorations, hair and clothing, however, in Turang, in spite of these cases, the tendency towards realism is also seen in some cases. This research has been done in comparative-descriptive method by using library data resources.

Keywords

Female Statuettes, Northeast of Ancient Iran, Central Asia, Bronze Age, Morphology.

*This article is extracted from the first author's master thesis, entitled "A morphological comparative study of human statuettes found from ancient Iran and Central Asia from the Bronze Age" under supervision of second author in University of Sistan and Baluchestan.

**Corresponding Author: Tel: (+98-912) 4483575, Email: artaheri@arts.usb.ac.ir